

ا معرفی کتاب «گذرگاه آرادامین»

راز گذرگاه آرادامین



● عنوان: **گذرگاه آرادامین**

● نویسنده: **سیدعلی خواسته**

● ناشر: **منادی تربیت**

● تعداد صفحات: **۱۸۳**

● توضیحات:

این کتاب درباره پسر نوجوانی است که از طرف

شخصی به دنیای دیگری وارد شده و در آنجا

باید تلاش کند تا خود را به دنیای اصلی‌اش

بازگرداند. او در این بین متوجه می‌شود که

دنیای اصلی‌اش همین دنیای فانتزی است.

خواب می‌بینی؟ چه می‌بینی؟ در خواب‌هایت کجا هستی؟
در چه جهانی؟ با چه آدم‌هایی؟ این خواب‌ها مدام تکرار
می‌شوند؟ پس رازی در میان است که از آن بی‌خبری!..

تو به آن جهان تعلق داری! دیر یا زود گذرگاهی برایت باز
می‌شود که باید از آن عبور کنی! مدرسه، خانواده، دوستان،
گوشی همراه، کنسول بازی و هر آنچه و هر آن کسی را که
دوست داری بگذاری و به جهانی که به آن تعلق داری بازگردی
و در آنجا به دنبال سرنوشتت بگردی. جهانی عجیب و بسیار
متفاوت! برو!.. گذرگاه آرامین منتظر توست.

خواب‌ها چه می‌گویند؟

علیرضا خواب‌های تکرارشونده عجیبی می‌بیند که معنی
آن‌ها را درک نمی‌کند، اما به نظرش واقعی هستند. او

درس‌خوان است، بسیار اهل منطق و معتقد است هرچه با علم ثابت نشود وجود ندارد، کمی اهل تمسخر و اذیت هم‌کلاسی‌هایش هم هست؛ تا اینکه یکی از همین هم‌کلاسی‌ها به نام امیر که تازه‌وارد و عجیب‌غریب بود، در مقابلش می‌ایستد. او، علیرضا را وارد جهان دیگری می‌کند؛ هرچند که این کار هدف و مأموریت امیر بود. علیرضا در جهان جدید با چالش‌ها و حوادث متفاوتی روبه‌رو شده و حقایقی بر او آشکار می‌شود که بی‌ارتباط با خواب‌هایش نیست.

یک فانتزی شرقی

نویسنده با نثری هیجان‌انگیز و صمیمی تلاش کرده جهانی مستقل و منحصر به فرد خلق کند؛ جهانی که در آن

مفاهیمی مثل «آگاهی»، «جهل»، «اختیار» و «سرنوشت» صرفاً مفاهیمی انتزاعی و ذهنی نیستند، بلکه در کنش و رفتار شخصیت‌ها و روند ماجراها نشان داده می‌شوند. پیرنگ داستان، از منطق علت و معلولی مناسبی برخوردار است؛ یعنی می‌توانیم علت رخ دادن اتفاق‌ها را متوجه شویم و آن اتفاق‌ها، هرچند خیلی پیچیده و عمیق نیستند، اما به پیشبرد داستان کمک می‌کنند. شخصیت‌پردازی نیز به‌طور کل مناسب است و تمرکز اصلی بر سیر تحول شخصیت علیرضا قرار دارد.

گذرگاه سرنوشت

آینده چیزی نیست که بتوان آن را با قطعیت پیش‌بینی کرد؛ اما انسان می‌تواند با انتخاب‌ها و تصمیم‌هایش مسیر

زندگی خود و سرنوشتش را تغییر دهد. آنچه اهمیت دارد از دست ندادن امید و دست نکشیدن از تلاش است. انسان در هر زمان و شرایطی مسئولیت‌ها و وظایفی دارد که بخشی از آن به خود او و بخشی دیگر به اطرافیان، جامعه و مردمی که در کنارشان زندگی می‌کند، مربوط می‌شود. رمان «گذرگاه آرادامین» اثری فانتزی، پرکشش و خواندنی است که بیش از آنکه در پی انتقال پیامی مستقیم باشد، بر روایت و جنبه سرگرم‌کننده داستان تکیه دارد؛ با این حال، می‌توان مضمون یادشده را چکیده و خلاصه‌ای از نگاه کلی اثر دانست. مفاهیمی مانند تلاش، امید، عدالت، فداکاری، صداقت، مسئولیت‌پذیری، امکان تعیین و تغییر سرنوشت و نیز رشد شخصیتی و فکری از جمله مضامین و مفاهیمی

هستند که در دل داستان مطرح می‌شوند و برای نوجوانی که در آغاز مسیر پرفرازونشیب زندگی قرار دارد، می‌توانند معنادار و الهام‌بخش باشند؛ همچنین، کتاب اشاره‌هایی ظریف به جهانی فراتر از جهان محسوس دارد؛ جهانی پیش و پس از این دنیا، از جمله جهان پس از مرگ، جایی که انسان از آن آمده و سرانجام به آن بازمی‌گردد. این اشاره‌ها، در کنار فضای فانتزی داستان، محتوای کتاب را تأمل‌برانگیز کرده‌اند.

برشی از متن کتاب

احسان را دیدم که همان نزدیکی‌ها بود. صدایش کردم. احسان جوابم را نداد. برای همین نزدیکش رفتم و گفتم: «احسان کر شدی؟» و با دستم به شانه‌اش زدم، اما دستم

از بدنش رد شد! خیلی تعجب کردم، سراغ بقیه هم رفتم، اما نه کسی صدایم را می‌شنید نه کسی مرا می‌دید و مثل یک روح از بدن همه رد می‌شدم. احساس بدی داشتم. سرانجام امیر طوری که انگار حوصلش سر رفته است، گفت: «مشکلی پیش اومده علیرضا؟» نفس‌زنان، گفتم: «چه اتفاقی برای من افتاده؟»

- چیز خاصی نیست. فقط من تو رو تبعید کردم. با عصبانیت گفتم: «نمی‌دونم چه بلایی سرم آوردی، اما وقتی متوجه غیبت من بشن، به پلیس مراجعه می‌کنند و اون وقت تو باید جواب پس بدی!»
امیر با آرامش گفت: «ببخشید، کی قراره متوجه غیبت تو بشه؟»

- معلومه، دوستانم، هم‌کلاسی‌هام، خانوادهم!

- مثل اینکه تو هنوز متوجه نشدی منظور من از تبعید چیه، تبعیدی که من ازش صحبت می‌کنم خیلی کامل‌تر از اونه که فکر می‌کنی، در این تبعید نه فقط خود تبعیدی، بلکه تمام اعمال و خاطراتش هم منتقل می‌شه یا شاید بهتره باشه بگم محو می‌شه! پرسیدم: «منظورت چیه؟»

- اگر بخوام مفهومش رو خلاصه کنم، در یک جمله می‌تونم بگم که: «یعنی حالا از نظر همه، و بنا به مدارک و دلایل، شما هرگز در این جهان وجود خارجی نداشته‌ای!»